

سر عنوان فارسی و معیارهای جهانی

ایرج افشار

یکی از مجلسهای وابسته به بیست و هشتمین کنفرانس جهانی شرقشناسی که در کانبرا (استرالیا) منعقد شد (ژانویه ۱۹۷۰) بخش کتابداری شرقی بود. درین مجلس خطابه‌هایی توسط کتابدارانی که در ممالک مختلف به کتابداری شرقی اشتغال دارند خوانده شد و اکثراً به مباحثی پرداختند که مشکلات کتابداری شرقی را در اجرای روشهای جدید کتابداری و اعمال اصولی که توسط کتابداران اروپا و آمریکا وضع شده است نشان می‌داد. اینک متن فارسی خطابه‌ای که نویسنده این سطور در قسمت آسیای غربی آن مجلس خواند در اینجا درج می‌شود. البته نقدهایی که در باب آن ارسال شود بمدا چاپ خواهد شد.

تشکیل این مجمع علمی که دومین جلسه آن در دانشگاه کانبرا برگزار می‌شود خدمت بزرگی است به پیشرفت فن کتابداری. موجب سعرت است که متخصصان اروپائی کتابداری و پایه گذاران قواعد آن متوجه شده‌اند که در وضع قواعد کتابداری و مخصوصاً فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی بیش از پیش باید به اختصاصات فرهنگهای دیرینه و ویژگیهای زبانها توجه داشت. در باب کتابداری در منطقه آسیای غربی که تقریباً تمام پهنة آن از یک فرهنگ مشترك دینی سیراب شده و آن فرهنگ اسلامی است، چند جهت باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

- ۱ - زبانهای عربی، فارسی، ترکی، پشتو، اردو.
- ۲ - تمدنهای قدیم مانند تمدن پیش اسلامی ایران که آثار آن در ایران امروز مشهود است.
- ۳ - فرهنگ اسلامی که در مواضع متعدد مشترکات دارد. ولی موارد افتراق را هم باید مورد توجه قرار داد.
- ۴ - تمدن جدید اروپائی که به تفاوت از یکصد و پنجاه سال به مناطق و ممالک این قسمت از عالم وارد شده است.
- ۵ - اختصاصات محلی از قبیل نام گذاری اشخاص. مانند آنکه در زبان فارسی اکنون

نامهایی وجود دارد که از چهار پنج کلمه ترکیب می شود و در تشخیص «معرف» باید تمام اجزاء آن را به کار برد، مثلاً صدر حاجی سید جوادی ، شایخ امامزاده جعفری یزدی . پس تردید نیست که جمع شدن کتابداران رشته شرقشناسی و تبادل اطلاعات میان آنها بنحوی که بر سبنای مشخصات محلی و اختصاصات زبانی باشد برای آینده کتابداری بسیار مفید است و قطعاً به تدریج ناهمواری را به وحدت و هماهنگی نزدیک می سازد .

خطابه من مربوط به یکی از همین نوع مسائل، و پیشنهادی کوتاه و تا حدودی عجیب و پیچیده است . حتم دارم که عده ای هم آن را نمی پسندند !

دو علت موجب شد که بدین موضوع پرداختم . یکی لزوم تدوین « سرعنوان » Subject Heading فارسی برای استفاده در ایران . تا کتابداران ما فهرستهای تهیه کنند که برای تمام ساکنان ایران قابل استفاده باشد . نه آنکه از روی جداول خارجی «سیرز» یا «کنگره» فهرستی فراهم کنند که فقط آشنایان به زبان انگلیسی از آن بهره ببرند . البته این امر بکلی جنبه ملی دارد . علت دوم که مرا به طرح کردن این مسأله واداشت امری است که جنبه جهانی دارد و با عالم کتابداری شرقی ارتباط پیدا می کند و آن داخل کردن بعضی از سرعنوانهای فارسی و عربی مربوط به تمدن خاص ایرانی و فرهنگ اسلامی و مصطلح در ادب و تاریخ و زبان و بطور کلی فرهنگ و تمدن ایرانی پیش از اسلام و بعد از آن است .

میان کتابداران ایران تا چند سال پیش ازین رسم نبود که در فهرست نویسی از «سرعنوان» استفاده کنند . کتابداران برای آسان کردن کار مراجعه کنندگان ، فهرستی موضوعی از برگه ها بر اساس نظم معین و انتخالی خود مرتب می ساختند . یعنی برگه های یک موضوع معین را به ترتیب اسم کتاب یا اسم مؤلف مرتب می کردند . طبعاً خواستار کتاب مجبور بود که برای یک موضوع کوچک مورد نظر مثلاً «شطرنج» به تمام برگه هایی که فی المثل تحت عنوان بازی و ورزش مرتب شده بود مراجعه کند .

نزدیک هفت سال است که در عده ای از کتابخانه های دانشگاه تهران و بعضی از کتابخانه های دیگر به کار بردن «سرعنوان موضوعی» مرسوم و فواید بسیار آن بر کتابداران روشن شده است . اکنون روش استفاده از سرعنوانها در کتابخانه های ایران به یکی از دو طرز مذکور در ذیل است :

۱ - عده ای از کتابداران کتابخانه های تخصصی، به مناسبت آنکه مراجعه کنندگان آن

کتابخانه‌ها با زبان انگلیسی آشنائی دارند جداول موضوعی سیرز یا کنگره را مورد استفاده قرار داده‌اند و همان کلمات را با همان اسلای لاتینی که در آن دو جدول ضبط شده است به کار می‌برند (مانند دانشکده پزشکی دانشگاه تهران). طبعاً به کار گرفتن این روش فقط برای کسانی مفیدست که زبان انگلیسی می‌دانند و برای آنها که انگلیسی نمی‌دانند یا از زبانهای خارجی به زبانهای فرانسه و آلمانی و روسی آشنایند کم فایده است.

نباید تردید کرد که در هر مملکت سرعنوان موضوعی باید به زبان رایج و رسمی آن کشور باشد تا آحاد مراجعه کنندگان بتوانند از آن سود ببرند، همانطور که در امریکا سرعنوان به انگلیسی و در آلمان سرعنوان به آلمانی و در ژاپن سرعنوان به ژاپنی است.

۲ - عده‌ای از کتابداران در استعمال «سرعنوان» کلمات مستعمل در جداول سیرز یا کنگره را ترجمه می‌کنند. ولی چون مطلع بر اصطلاحات کلیه علوم نیستند طبعاً نمی‌توانند که معادل صحیح هر اصطلاح را در زبان فارسی انتخاب کنند. بالفرض که اصطلاح را صحیح تشخیص دهند در مواردی که کلمات مترادف و متشابه وجود دارد امکان آن هست که یک مفهوم واحد میان چند کتابدار با چند نوع کلمه و بطور متفاوت استعمال شود. به مناسبت دقت تدریجی در این اوضاع و احوال، عقیده من بر آن است که باید از سه جهت مختلف و بطور ستوازی به کار پرداخت :

الف - جدولهایی را که تا کنون فهرست نویسان کتب فارسی و عربی در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، دانشکده علوم اداری، مرکز اسناد و آماده‌سازی کتاب، وزارت اقتصاد و دوسه مرجع دیگر تهیه کرده‌اند به یک جدول مشترک تبدیل کرد، تا هم کلمات مترادف معلوم شود و هم معایب و اشتباهات هر یک از جدولها مکشوف گردد و بالمال کلمه بهتر و جا افتاده به تدریج مرسوم شود.

ب - سرعنوان‌های مستعمل در جداول سیرز و کنگره به توسط متخصصان علوم و با توجه به اصطلاحات موجود به فارسی ترجمه و نقل شود.

ج - مهمتر از همه آنکه از اصطلاحات علوم که در اسماء کتب فارسی و عربی به کار رفته و نیز اصطلاحات و کلماتی که در متون قدیم استعمال شده است به منظور به کار بردن در سرعنوانهای مربوط به تمدن ایرانی و اسلامی استخراج گردد.

بر اثر دقت و اهتمامی که درین زمینه کرده‌ام به نکته‌ای که جنبه جهانی می‌تواند داشته باشد متوجه شده‌ام. درینجا قصدم بر آن است که خلاصه‌ای را به صورت پیشنهاد به

اطلاع کتابداران برسانم .

کتابداران اروپا و آمریکا در معرفی موضوعات کتب مربوط به ایران و اسلام کلماتی را به کار می‌برند که در زبان خودشان متداول است، مگر در مواردی که کلمات خاص فارسی و عربی موجب اجبار به استعمال در سرعنوان باشد .

از نتیجه حقیقی این تحقیق به اینجا می‌رسیم که در مورد بسیاری از اصطلاحات مربوط به تمدن ایرانی ترجمه کردن روش کاملاً نادرستی است ، مثلاً وقتی کلمه Drama برای سرعنوان استعمال می‌شود از آن معنایی به ذهن می‌آید که مخصوص ادبیات ملل اروپائی است . البته در مورد آثاری که مرتبط به درام در اروپا باشد ناچاریم که همین کلمه را بی‌آنکه ترجمه کنیم به کار ببریم تا کتابهای این نوع ادبی و هنری را زودتر به خواستاران بشناسانیم . یک نوع از کلمه‌هایی که به نظر من مطلقاً قابل ترجمه در زبان فارسی نیست کلمه‌هایی است که مظاهر یک تمدن خاص را به‌اکمل وجوه من شناساند .

طبیعی است که همین حالت برای زبان فارسی نیز کاملاً وجود دارد و موارد آن در تمدن ایرانی و اسلامی زیاد است، و من در اینجا به چند نمونه جهت توجه بیشتر پیشنهاد خود می‌پردازم . تعزیه و شبیه عبارت است از نمایشهای دینی که میان شیعیان (مخصوصاً در ایران) مرسوم است . با وجود اینکه این اصطلاح را به چند نوع مختلف به انگلیسی و فرانسه و آلمانی ترجمه کرده‌اند هیچ یک گویای این اصطلاح نیست .

زورخانه بنایی است مسقف با درگاه کوتاه و به مساحتی حداکثر تا صد متر مربع و معمولاً گودتر از سطح زمین که در آنجا ورزشهای باستانی ایرانی انجام می‌شود . چون این محل را بلفظ «سالن سرپوشیده» و استادیوم و غیره نمی‌توان مشابه دانست، لذا در مقام معرفی کتابی که مربوط به زورخانه باشد باید همین لفظ زورخانه را به کار برد .

گلیم نوعی است از فرش بافتنی با نقشهای هندسی که با قالی فرق بسیار دارد و در زبانهای اروپائی آنرا به صورت Kalim تلفظ می‌کنند و معروف شده است . طبعاً نمی‌توان در معرفی، نوع این فرش را ذیل قالی معرفی کرد . زیرا فرق بارزی بین گلیم و فرش هست و آن اینکه فرش «پرز» دارد و گلیم ندارد .

زیلو نوعی دیگر از فرش است که از پنبه بافته می‌شود و آن را اکثراً در مساجد به کار می‌برند . این لفظ معادل خارجی ندارد و نمی‌توان زیر مطلق فرش از آن نام برد . همینطور است «نمد» .

کرسی وسیله‌ای است برای گرم شدن در زمستان . چهارچوبه است که روی آن لحاف می‌کشند و زیرش منقل می‌گذارند و در آن منقل آتش زغال . طبعاً چنین وسیله‌ای را باید به همان لفظ «کرسی» شناساند .

ازین نوع کلمات که خاص تمدن مادی ایرانی است مثالها زیاد است و از جمله تار، کمانچه، کاروانسرا، قنات، زری بافی .

در زمینه اصطلاحات و لغات مربوط به زندگی روحی و معنوی نیز امثال زیادست خواه مربوط به پیش از اسلام مثل امشاسپندان، نوروز، مهرگان، سوشیانس و خواه مربوط به دوره اسلامی مانند درایه، زکوة، خمس، حج و عمره در موضوعهای دینی. مشاعره (نوعی بازی با اشعار بین دو یا چند نفر که خاص زبان فارسی است)، تصنیف در موضوعهای ادبی. سیاق (نوع خاص علائم برای محاسبه در حسابداری ایرانی تا پنجاه سال قبل). کوفی (نوع خط خاص دوره‌های اولی اسلامی و خط تزیینی در معماریها). متعه (نوعی ازدواج با شرط اینکه مدت ازدواج و مبلغ مهر معین شود) .

البته کلمات و اصطلاحاتی که جنبه اسم خاص گرفته است مثل مهدویت، خاکسار، شیوخ (در مورد اسرای جزایر خلیج فارس)، خانان (در مورد اسرای ترکستان) بهیچ وجه مورد اشاره من نیست . طبیعی است که آنها را بدون دغدغه خاطر می‌توان در هرزبانی استعمال کرد .

با این امثله شاید تا حدودی روشن شده باشد که بسیاری از مسائل مربوط به تمدن و معارف ایرانی را با کلمات مربوط به السنه اروپائی نمی‌توان نشان داد . ناگزیر باید عین همان اصطلاح را از فارسی (خواه کلمه فارسی باشد یا عربی) گرفت و به صورت **سرعنوان** در زبانهای اروپائی به کار برد. ازین راه جداول سرعنوان در زبانهای دیگر از جمله انگلیسی وسعت می‌گیرد و غنی تر می‌شود . با این تمهید طبیعی است استفاده کنندگانی که با این مباحث آشنائی دارند و در فهرستهای کتابخانه‌ها به دنبال مراجع مورد نظر خود می‌گردند بصورت مستقیم و زودتر به مطلوب خود خواهند رسید .

به عبارت دیگر مقصود این است که در فهرستهای کتابخانه‌های اروپائی همان روشی را به کار ببریم که مستشرقین در تدوین دائرةالمعارف اسلامی بکار برده‌اند. ضمناً باید گفت که می‌توان در استعمال کلمات بصورت شرقی آن با دادن ارجاعها (Cross Refrence) هائی که همیشه

هم معادل نیست مقصود را وسیع تر ساخت.

این پیشنهاد زمینه‌ای است برای طرح این مطلب که در «استاندارد» کردن روش فهرست‌نویسی استفاده از کلمات مشخص‌زبانها و تمدنهای دیگر ضروری است. کتابداران شرقی مخصوصاً در این راه وظیفه‌ای دشوار به عهده دارند. مسلم است که نمی‌توانند چشم بسته به جداول سیرزیا کنگره و نظایر آن بنگرند.



شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی